

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

پنجشنبه ۷ آبان ۱۴۰۵ • ۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ • ۱۲۹ اکتبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۸۰۵۵۱۳ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۱ • اذان صبح فردا ۵:۰۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

ابطال مجوز استخدام؛ اخراج یا ادامه خدمت؟

جلیل حاجی حسینی

وکیل

بودند، امکان ادامه همکاری تا پایان قرارداد یک‌ساله، با رعایت شرایط مقرر، پیش‌بینی شده بود.

پس مستخدم باید پیش از هر تصمیمی مشخص کند با چه عنوانی، براساس کدام مجوز، با چه قراردادی، از چه تاریخی و با چه شناسه‌ای به کار گرفته شده است. همین جزئیات می‌تواند سرنوشت حقوق استخدامی او را تغییر دهد.

تکلیف دستگاه‌استخدام‌کننده‌چيست؟

دستگاه اجرائی نمی‌تواند مسئولیت رعایت قانون را به دوش مستخدم منتقل کند. اگر یک دستگاه دولتی براساس مجوز صادرشده از مرجع صلاحیت‌دار اقدام به جذب کرد کرده باشد، باید میان «غیرقانونی‌بودن مبنای اداری» و «تقصیر مستخدم» تفکیک کرد.

مستخدمي که با اعتماد به تصمیم رسمی دولت وارد خدمت شده، الزاما مرتکب تخلفی نشده است. بنابراین هر تصمیم برای خاتمه همکاری، قطع حقوق، لغو حکم یا تغییر وضعیت استخدامی باید

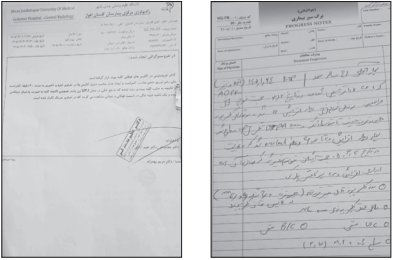
مستند به قانون و قابل اعتراض باشد و نمی‌توان صرف صدور رأی ابطال را معادل حکم اخراج همه مستخدمان دانست.

خانواده‌مستخدم‌چه‌می‌شود؟

این قسمت شاید کمتر دیده شود، اما از نظر اجتماعی مهم‌ترین بخش ماجراست. برای خانواده‌ای که درآمد اصلی آن از حقوق مستخدم تأمین می‌شود، یک تصمیم اداری می‌تواند به بحران معیشتی تبدیل شود. حقوق استخدامی فقط یک عنوان اداری نیست؛ حقوق و مزایا، بیمه، سابقه خدمت و در مواردی امنیت اقتصادی خانواده به آن وابسته است. بنابراین اگر دستگاه اجرائی بخواهد به استناد رأی ابطال، رابطه استخدامی فردی را خاتمه دهد، اصل تصمیم، مبنای قانونی، نحوه اجرا و حقوق مالی فرد باید جداگانه قابل بررسی و اعتراض باشد. به بیان روشن‌تر، اشتباه احتمالی در طراحی یا صدور یک مجوز اداری نباید بدون بررسی وضعیت حقوقی اشخاص، مستقیم به حذف معیشت آنان منتهی شود. البته این به معنای تضمین ادامه استخدام همه افراد نیست. اگر قرارداد مدت‌دار باشد، شرایط قانونی ادامه همکاری وجود

یادداشت

بی تفاوتی پزشک در اطلاع‌رسانی یا ضرورت پنهان کاری



پرسش‌های اصلی بیمار، «چرا باید در بیمارستان بستری شوم و مشکل من چیست؟» راحل یا راحل‌های پیشنهادی برای خروج از مشکل کدام هستند؟ در صورت اقدام درمانی پیشنهادی، در انتظار چه هزینه‌ها و عوارض جانبی یا مادی‌ای باید بود؟»، منجر به دریافت دست‌نویس پس از چند روز انتظار است. شرح حالی دست‌نویس، ناخوانا و به زبان انگلیسی یا شبه‌انگلیسی به بیمار ارائه شده است. این گزارش فاقد قابلیت تفهیم بوده و به پرسش‌های اصلی بیمار (علت بستری، روش‌های درمان، عوارض و هزینه‌ها) پاسخ نداده است. متن تایپ‌شده تخصصی: پس از یک هفته انتظار و پیگیری‌های فراوان، متنی تایپ‌شده ارائه شد. اگرچه این متن خواناست، به دلیل استفاده فراوان از اصطلاحات تخصصی و به زبان خارجی (مانند UPI، کالپس، نفروستومی) و کلمات غیرضروری انگلیسی (مانند «پارشیال» به‌جای «قسمتی/ناکامل»)، عملا برای بیمار ناپیوسته و غیرقابل فهم مانده است.

چالش «نظر دوم» (Second Opinion) در ایران

در جوامع غربی، درخواست نظر دوم یا سوم، رفتاری رایج و مبتنی بر وسواس معقول بیمار برای دستیابی به بهترین درمان است و به معنای بی‌اعتمادی نیست. اما در ایران، به دلیل عدم همراهی پزشکان معالج در این مسیر، بیمار به ناچار و به شکل مستقل عمل می‌کند.

یک ربات

شهرداری ملیک‌غازی در شهر قیصریه ترکیه، ربات هوشمند «مکا» را برای نظارت بر قیمت‌ها و استانداردهای بهداشتی در فروشگاه‌ها به کار گرفت. این ربات با اسکن محصولات، قیمت قفسه را با صندوق مقایسه کرده و تخلفات با انقضای کالاها را به بازرسان گزارش می‌دهد. فعلا فیلم منتشرشده از این ربات توانسته مورد توجه قرار گیرد. باید دید بازدهی و نحوه فعالیت این ربات تا سال آینده چگونه خواهد بود.

اتفاق‌خوانی

هوش مصنوعی

و آینده آموزش و پرورش

جمال صوفیه

تحلیلگر

هوش مصنوعی نه با گام‌هایی آهسته و کم‌صد، بلکه همچون نیرویی تحول‌آفرین و ساختارشکن وارد عرصه آموزش شده و موجی از امید، ناآرامی و تنش را برانگیخته است. این فناوری، آداب و روال‌های مانوس تدریس و یادگیری را دستخوش دگرگونی می‌کند. امروز کودکی در آفریقا جبر را نه‌تنها با معلم خود، بلکه با مربی هوش مصنوعی‌ای در واتس‌اپ تمرین می‌کند. نوجوانی در بریتانیا و ایرلند شمالی، دغدغه‌ها و نگرانی‌های خود را با «همدم» هوش مصنوعی‌ای در میان می‌گذارد که با پیام‌هایی آرامش‌بخش جوابش را می‌دهد. در دانشگاهی در کره جنوبی، چهرک هوش مصنوعی‌ای در قامت استادی برجسته، کلاس‌های درس را کامل و به زبان‌های مختلف تدریس می‌کند. این صحنه‌ها تا چند سال پیش تصورناپذیر بود، اما امروزه در کلاس‌های درس و خانه‌ها در سراسر جهان رو به رواج است و نشان می‌دهد چگونه هوش مصنوعی به فضاهایی راه می‌یابد که روزگاری منحصرا در اختیار انسان بود؛ یعنی در نقش معلم خصوصی ریاضی، شونده‌های دلسوز و بدون پیش‌داوری که در تمامی ساعات شبانه‌روز در دسترس است و استاد دانشگاه مجازی، این پدیده در عین آشکارکردن گسست‌های عمیق، نویدبخش امکانات جدید یادگیری است. کلاس‌های درس که زمانی در بستر فرایند آرام و تدریجی آموزش و پرورش لنگر انداخته بودند، اکنون با الگوریتم‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که روند پدیدآمدن دانش را شتاب می‌بخشند، پیش‌بینی می‌کنند و از نو سامان می‌دهند.

شواهد نوظهور، نتایج متناقضی را نشان می‌دهند، اما این حضور رو به رشد هوش مصنوعی مولد، نشان‌دهنده گسست تاریخی بزرگ دیگری در آموزش است. اکنون برای نخستین بار، دستگاه‌ها و تجهیزات دیگر صرفا ابزارهایی منفعل نیستند؛ آنها به‌سریعت در حال تبدیل‌شدن به کنشگران و کارگزارانی تعاملی هستند که گفت‌وگو می‌کنند، پاسخ می‌دهند و در قالب معلم خصوصی، همدم و حتی استاد با ما بده‌بستان دارند و مفاهیم یادگیری و تدریس را بازتعریف می‌کنند. این ابزارها برای برخی چشم‌اندازی را ترسیم می‌کند که در صورت فراهم‌بودن زیرساخت‌های مناسب، بهره‌مندی از دستیار هوش مصنوعی شخصی را برای تمام دانش‌آموزان، معلمان، مدیران آموزشی و سیاست‌گذاران ممکن می‌کند. البته چنین گسستی با تناقض‌ها و چالش‌های عمیقی همراه است. آموزش بیش از پیش میدان نبرد مدل‌های تجاری و پیشرو هوش مصنوعی می‌شود؛ مدل‌هایی که وعده سرعت، کارایی و مقیاس‌پذیری می‌دهند، اما در عین حال روندی آرام و تدریجی را که بسترساز شکوفایی یادگیری عمیق، تأمل و ارتباطات انسانی است، دستخوش خطر می‌کنند.

همان سامانه‌های افق‌گشای جدید در قلمروی یادگیری، پیش از این نشان داده‌اند خطر برون‌سپاری شناختی و تضعیف تفکر انتقادی را به همراه دارند و شکاف‌های ناشی از دسترسی جنسیت و زبان را تقویت می‌کنند. این سامانه‌ها با مقیاسی بی‌سابقه داده تولید می‌کنند، اما پرسش‌های بی‌پاسخی را در زمینه‌های حریم خصوصی، اخلاق، حاکمیت داده‌ها و اعتماد پیش می‌کنند. هیچ راهکار ساده‌ای برای مواجهه با این چالش‌ها وجود ندارد. رفع این تنش‌ها به معنابخشی جمعی، تخیل اخلاقی و رهبری شجاعانه نیاز دارد. لازم است بار دیگر به اهمیت برساختن قرارداد اجتماعی جدید در آموزش با حضور کنشگران انسانی و غیرانسانی تأکید کنیم؛ قراردادی که در عین حال، عاملیت تحول‌آفرین مربیان و یادگیرندگان انسانی را در کانون تغییرات فناوری قرار می‌دهد.

آینده‌ای فراگیر و اخلاقی در حوزه هوش مصنوعی نه‌تنها ضروری، بلکه میسر است. این بحث‌ها و تأمل‌ها ما را به ارتقای کیفیت تفکر جمعی، کاوش در نوآوری‌های پژوهشی جسورانه، سیاست‌گذاری و عمل و نیز استوارکردن هر گام خود بر شواهدی معطوف به عدالت و فراگیری فرا می‌خواند. فراتر از همه، ما را به اقدام مبتنی بر همبستگی دعوت می‌کنند. لازم است با هم‌فکری و شناخت فرصت‌ها و تهدیدها، آموزش را همچون کالایی عمومی پاس بداریم؛ آینده‌ای که با هوش مصنوعی گره خورده است، اما در نهایت با انسانیت مشترک خودمان تعریف می‌شود و هویت می‌یابد.